

اسلوب آموزشی رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در تعامل با قشرهای اجتماعی

مهديه سپهری بروجنی^۱
اصغر منتظرالقائم^۲

چکیده

سیره رسول الله در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برای مسلمانان الگوی حسنه محسوب می‌شود. آن حضرت در زمینه‌های مختلف و به‌ویژه جذب قلوب گروه‌های مختلف اجتماعی از روش‌های بدیع استفاده می‌کرد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ برای ابلاغ رسالت و تبلیغ تعالیم اسلام نیز اسلوب ویژه‌ای به کار گرفتند. در این پژوهش در پی پاسخ به این سوال هستیم که رسول خدا در تعامل با اقشار گوناگون اجتماعی عصر خود از چه اسلوب‌هایی بهره گرفته‌اند؟ این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با کمک منابع کتابخانه‌ای به این نتیجه رسید که رسول الله با شناخت کامل از مخاطبان برای هدایت آنها شیوه‌های متفاوتی به کار گرفت. آن حضرت توانست ویژگی گروه‌های مختلف مخاطبان اعم از عامه مردم، خطاکاران، دشمنان و کافران، پیروان سایر مذاهب و قبایل را شناسایی کرده و جداگانه با هر گروه تعامل داشته باشد و آموزش‌های ویژه‌ای برای هر یک در نظر بگیرد. اسلوب‌های آموزشی خلاقانه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ متناسب با ظرفیت‌های فردی و اجتماعی اقشار گوناگون اجتماعی و متأثر از فضای آن زمان بود و موجب گسترش اسلام پذیری جامعه شد.

کلیدواژه‌ها: آموزش در اسلام، آموزش، الگوی حسنه، اهل کتاب، مشرکان.

۱. کارشناس ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

Mahdiesepe@gmail.com

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. Montazer@ltr.ui.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۰۳/۰۴/۰۷

تاریخ دریافت: ۰۳/۰۲/۱۲

درآمد

بشر همواره زندگی خود را بر اساس آداب و رسوم خاصی ادامه می‌دهد، خواه آنها را خود اختراع کرده و یا از دیگران اقتباس کرده باشد؛ اما از آن‌رو که انسان آفریده خداست، بی‌تردید بهترین برنامه برای کمال جسم و روح او برنامه‌ای است که از سوی خداوند تنظیم شده باشد. این برنامه در آداب و رسوم پیامبران بزرگ خدا و اوصیای گرامی ایشان متجلی است، و کامل‌ترین آنها همان راه و روش رسول خدا است. چنان‌که در آیه ۲۱ سوره مبارکه احزاب راه و روش آن حضرت، بهترین الگو و سرمشق زندگی برای هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، معرفی شده است.^۱

گرایش به یادگیری علوم به انگیزه‌های گوناگون صورت می‌گیرد و به طور معمول نیازهای اولیه حیاتی، طبیعی و محسوس جاذبه بیشتری برای انسان دارد. بزرگترین معجزه اسلام قرآن است و اسلام تنها دینی است که کتاب را به‌عنوان معجزه پیشنهاد می‌کند. طبعاً خواندن و نوشتن در این دین مقدس است. با این حال به‌رغم توصیه‌ها و تشویق‌های قرآن و رسول خدا برای خواندن و نوشتن، مشکلات فراوانی در راه توسعه سواد وجود داشت. زندگی مردم شبه‌جزیره عربستان از یک طرف و موقعیت طبیعی آن منطقه از طرف دیگر با گسترش سواد تناسب نداشت. نظام پدرسالاری قبیلگی و زندگی در حال کوچ و نبود ثبات در محل زندگی موجب عدم امکان توسعه خواندن و نوشتن بین آنان بود.

خداوند در قرآن کریم از رسالت و تبلیغ پیامبر ﷺ با عناوینی چون «انذار»، «ابلاغ»، «تبشیر»، «هدایت»، «ارشاد»، «دعوت»، «دعوت» و «امر به معروف و نهی از منکر» یاد کرده و آن را ضروری همه جوامع شمرده است: «هیچ جامعه‌ای نبوده مگر آنکه در میانشان بیم دهنده (مبلغ) بوده است».^۲ یکی از نکات مهم در تعلیم و تبلیغ این است که مبلغ در تبلیغات خود وجدان خفته و غبار گرفته انسان‌ها را بیدار کند و آنان را به درک حقایق و شناخت واقعیات رهنمون سازد (بابازاده، ۱۳۸۲: ۳۵). پیامبر ﷺ می‌فرمود: «ما گروه پیامبران مأموریم که با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوییم» (کلینی، ۱۳۵۰: ۱۷). بر این اساس رسول الله نهایت تلاش خود را برای جذب افراد به کار برد تا نور ایمان را در قلب آنها قرار دهد.

پیشینه پژوهش

مسئله پژوهش حاضر در کتاب و مقالات گوناگون مورد توجه جدی و مستقل قرار نگرفته است. برخی آثار به فراخور موضوع به‌صورت گذرا به آن پرداخته‌اند. کریمیان (۱۳۸۵ش) در کتاب نگاهی به

۱. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا».

۲. «وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ»، فاطر/۲۴.

سیره آموزشی رسول خدا ﷺ، « به بررسی سیره و روش آموزشی پیامبر ﷺ با استناد به کتاب‌های سیره و تاریخ و منابع روایی شیعه و سنی پرداخته است. نویسنده در ابتدا به فعالیت‌های تربیتی ایشان در رهایی مردم عرب از فرهنگ‌های جاهلی توجه کرده است. او همچنین تکریم دانش و آموزش، تشویق به نگارش، عدالت آموزشی، اهتمام به آموزش قرآن، برقراری حلقه‌های درس و بحث را از جمله فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی پیامبر ﷺ در ایجاد انقلاب فرهنگی دانسته است. نویسنده در توصیف وضعیت آموزشی دوران رسول خدا تا حد زیادی به هدف خود رسیده؛ ولی ساختار و روش آموزشی را چندان مورد توجه قرار نداده است. کسای (۱۳۸۸ش)، در مقاله «دانش و آموزش در عصر پیامبر اسلام ﷺ»، موضوع آموزش و فراگیری را بحث اصلی خود قرار داده و به روش‌ها و نوآوری‌های رسول الله در این زمینه اشاره کرده است؛ با این همه او از چگونگی جذب و تعامل پیامبر ﷺ با اقشار گوناگون جامعه در زمینه آموزش و تعلیم بحث نکرده است. فروهی و سروریان (۱۳۸۵ش) نیز در مقاله‌ای با عنوان «اصول و روش‌های آموزش و تربیت دینی در سیره عملی پیامبر اکرم ﷺ» به اصول و روش‌های آموزش و تربیت دینی توسط پیامبر ﷺ پرداخته‌اند. آنها به سیره گفتاری ایشان توجه نکرده‌اند. بر اساس این پیشینه به نظر می‌رسد اسلوب آموزشی رسول الله در تعامل با اقشار و گروه‌های اجتماعی می‌تواند دستمایه پژوهش اصیل و بدیع قرار گیرد.

تعامل با عامه مردم

پیامبر ﷺ در ارتباط با عموم جامعه سعی می‌کرد از روش‌های آموزشی تبلیغی مناسب بهره برد تا به جذب حداکثری افراد به دین اسلام منجر شود. ایشان به مخاطب فارغ از جایگاهش احترام می‌گذاشت و با عشق و علاقه، زمینه پذیرش مردم به اسلام را فراهم می‌کرد.

۱- تکریم مخاطبان

پیامبر اسلام ﷺ در کار آموزش دین و دعوت مردم از توجه به نقاط ضعف و تحریک احساسات پرهیز می‌کرد. ایشان با انگشت گذاشتن روی نقاط مثبت، زمینه همراهی آنان را فراهم می‌کرد. خانواده حاتم طائی بت‌پرست بودند و در مقابل اسلام ایستادند. عدی بن حاتم نیز پس از شکست به شام گریخت و خواهرش نیز اسیر شد. او را به مدینه آوردند. روزی این زن اسیر خود را به پیامبر ﷺ معرفی و از اوصاف نیک پدرش یاد کرد و گفت: پدرم به درماندگان رسیدگی می‌کرد. آن حضرت بدون اینکه مقاومت آنها در برابر اسلام را به رخ بکشد، یا بت‌پرستی و اشکالات دیگرشان را مطرح کند، این بعد مثبت را ستود و به پاس آن دستور آزادی او را صادر کرد. وقتی که این خبر به برادرش رسید که رهبر جهان اسلام، پدرش را ستود و بر کار نیک او حرمت نهاد، اسلام آورد و در خدمت اسلام قرار گرفت (کلینی، ۱۳۵۰: ۳۹/۴).

چند نفر از یمن آمدند و با رسول خدا روی سخن گشودند. یکی از آنها خیلی هتاک بود و تند صحبت می‌کرد؛ به طوری که رسول الله را ناراحت کرد، تا آنجا که عرق خشم بر پیشانی ایشان نشست. در این حال جبرئیل امین نازل شد و خبر از سخاوت و بخشندگی او داد. پیامبر ﷺ نیز روی آن تکیه کرد و این صفت او را ستود و آن را وسیله نجات او معرفی کرد. مرد یمنی وقتی که متوجه شد آن حضرت حتی خوبی‌ها دشمن هتاک را نادیده نمی‌گیرد، بلافاصله شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت آن حضرت داد و مسلمان شد (همان، ۶۴۵/۴).

۲- عشق به هدایت عامه مردم

از دیگر ویژگی‌های آموزشی پیامبر ﷺ عشق به هدایت عامه مردم بود. ایشان در این مسیر بسیار حرص می‌ورزید. حرص و تلاشی که سودش عاید مردم می‌شد. در سخت‌ترین شرایط برای نجات مردم می‌کوشید و حتی اذیت و آزارشان را حمل بر جهل کرده، به جای نفرین برای هدایتشان دعا می‌کرد. خداوند پیامبر ﷺ را این‌گونه معرفی می‌کند: «به یقین رسولی از خود شما به سوبتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است، او برای هدایت شما پافشاری می‌کند، او نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان است»^۱. آموزش‌های رسول خدا برای منافع شخصی نبود، مردم را برای خود نمی‌خواست. ایشان از گمراهی آنها در رنج بود زیرا آنها را در آتش می‌دید و عاشق هدایت مردم بود (مهدهوی نژاد، ۱۳۹۲: ۱۱۱).

۳- مدارا با یاد گیرنده

از نکات بسیار مهمی که در آموزش و تبلیغات پیامبر ﷺ وجود داشت و بسیار سبب تأثیرگذاری آن می‌شد، نرمی و مدارا کردن آن حضرت بود. مدارا او را به کانون رحمت تبدیل کرده بود؛ تا آنجا که در روایات این ویژگی جزو صفات شاخص و سنن آن حضرت شمرده شده است (حرانی، ۱۳۸۵: ۲۲۳). خداوند او را به این صفت ستوده و آن را عامل موفقیتش شمرده است (آل عمران/۵۹). حضرت همان‌گونه که مکلف به واجبات بود، خود را مأمور به این صفت می‌دانست (کلینی، ۱۳۵۰: ۳۶۳/۴). آموزش‌ها و تبلیغات رسول اکرم همیشه همراه با این خصوصیت بود و هرگز از خشونت، شکنجه، قتل و غارت و ایجاد رعب و وحشت استفاده نمی‌کرد. ایشان می‌فرمود: مدارا کردن با مردم نصف ایمان و مهر ورزیدن با مردم نصف زندگی است (کلینی، ۱۳۵۰: ۳۶۵/۴).

۱. «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»، توبه/۱۲۸.

۴- پیشگامی در عمل

قرآن کریم کسانی را که به گفته‌های خود جامه عمل نمی‌پوشانند ملامت کرده، می‌فرماید: «چرا آنچه را که انجام نمی‌دهید بر زبان می‌رانید»^۱ (صف/۲). همچنین در آیه ۴۴ سوره بقره آمده است: «آیا مردم را به نیکی می‌خوانید و خود را از یاد می‌برید»^۲. از ویژگی‌های پیامبر ﷺ این بود که خود بیش از دیگران به تعالیم دینی عمل می‌کرد؛ اگر نماز شب را برای دیگران نافله می‌شمرد، برای خود همان نماز را فریضه می‌دانست. اگر خود خرما خورده بود، حتی کودک مریض را به ترک خوردن خرما سفارش نمی‌کرد. آنگاه که می‌خواست مردم را به نماز تشویق کند، خود به نماز می‌ایستاد و می‌فرمود: «همان گونه که می‌بینید من نماز می‌گذارم شما نیز نماز بخوانید» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۲/۲۰۰). در تحمل مشکلات از همه مقاوم‌تر و در جنگ‌ها، وسط معرکه و پناهگاه مؤمنان و مجاهدان بود. در این ارتباط در نهج البلاغه آمده است که «هرگاه آتش جنگ سخت شعله می‌گرفت، ما به رسول خدا پناه می‌بردیم و در آن زمان هیچ کس از ما به دشمن نزدیک‌تر از او نبود» (خطبه ۸۹).

تعامل با خاطیان

رسول الله در مواردی که چشم‌پوشی از جرم، موجب تبه و بیداری مجرم و تربیت و هدایت وی می‌شد از حقوق شخصی خود گذشت و مجرم را عفو می‌کرد. در بسیاری از موارد نیز از گناه و اشتباه فرد مقابل چشم‌پوشی می‌کرد.

۱- گذشت از حقوق شخصی

در سیره رسول الله مصادیق فراوانی درباره گذشت ایشان و گذر از حقوق شخصی آمده است. عایشه نقل کرده است که پیامبر ﷺ به خاطر ظلمی که به ایشان شده بود، هرگز انتقام نمی‌گرفتند؛ مگر به سبب عدم رعایت حدود الهی، که در این صورت برای رضای خدا انتقام می‌گرفتند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۵۲). رسول خدا وقتی با اقتدار وارد مکه شدند، همه کسانی را که به ایشان ستم کرده بودند، عفو کردند و از هیچ کس انتقام نگرفتند. با آنکه قریش و مشرکان مکه از آغاز اسلام تا آن روز، درباره پیامبر ﷺ از هر گونه دشمنی و آزاری فروگذار نکرده بودند. ابوسفیان روز فتح مکه را روز جنگ و کشتار، و رسول الله آن را روز رحمت نامیدند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۱/۹۱). هبار بن اسود، شتر زینب، دختر پیامبر ﷺ را رم داد و او از میان هودج به زمین افتاد و طفلش سقط شد و خود به واسطه این حادثه از دنیا رفت. رسول خدا در فتح مکه خون هبار را هدر اعلان

۱. «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ».

۲. «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ».

کردند. هبار پس از مدتی بر آن حضرت وارد شد و گفت: می‌خواستم به عجم‌ها پناه ببرم ولی فضل و بخشش تو را به یاد آوردم. او تقاضای بخشش کرد و رسول خدا از حق شخصی خود به‌عنوان ولی دم گذشتند و او را عفو کردند (واقعی، ۱۳۷۴: ۶۵۶؛ کمالی، ۱۳۷۳: ۸).

در نمونه‌ای دیگر، ابن قیظی نایبنا بود. وقتی لشکریان اسلام به اُحد می‌رفتند ابن قیظی از زمین مقداری خاک برداشت و به روی مبارک رسول الله پاشید و ناسزا گفت. اصحاب خواستند او را بکشند ولی آن حضرت فرمود: او را رها کنید، هم چشمش کور است و هم دلش (ابن هشام، ۱۳۶۶: ۳۵۳؛ کمالی، ۱۳۷۳: ۱۲۳). رسول خدا از کسانی که توقعی از آنها نمی‌رفت و ساده و کم‌خرد بودند، گذشت می‌کرد و از آنها انتقام نمی‌گرفت. یکی از اعراب ردای مبارک پیامبر ﷺ را چنان کشید که در گردن ایشان جای آن ماند. سپس گفت: ای محمد، از مال خدا به من بده. آن حضرت از روی لطف به او التفات کرد و خندید و عطایی به او بخشید (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۰۶/۲۲).

نقل شده‌است روزی رسول الله وارد یکی از قلعه‌های یهود شدند تا نان و خورشتی بخورند. شخصی یهودی به آن حضرت گفت: مراد تو نزد من است و به سمت خانه‌اش رفت و به زوجه‌اش گفت: به بالای بام برو و وقتی این شخص وارد شد این تخته سنگ را بر سر او بزن. وقتی زن خواست سنگ را ببندد، جبرئیل آمد و تخته سنگ را به دیوار خانه پرت کرد مانند اینکه صاعقه‌ای ایجاد شده باشد و بر گردن او اصابت کرد و او را به زمین زد و زمین گیرش کرد. وقتی خوب شد شروع به گریه کرد. سپس پیامبر ﷺ به او فرمود: ای بیچاره! چه شد که دست به چنین کاری زدی؟ گفت: یا محمد، این کار برای من بهره‌ای نداشت. می‌خواستم تو را بکشم، در حالی که تو معدن کرم و سید عرب و عجم هستی. از من درگذر. رسول الله نیز از او درگذشتند و سنگ را از گردن او آزاد کردند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۷۶/۲۲).

۲- چشم‌پوشی و تغافل

با وجود اینکه پیامبر ﷺ از بدگویی و استهزا و سخنان ناروای منافقان به خوبی آگاه بود، تغافل می‌کرد و به روی خود نمی‌آورد. چه بسا منافقان گفته‌های خود را انکار می‌کردند و بر صدق آن سوگند یاد می‌کردند. آن حضرت با آنکه می‌دانست دروغ می‌گویند آنان را تکذیب نمی‌کرد و در ظاهر، اظهاراتشان را قبول می‌کرد. منافقان گذشت و اغماض و تغافل آن حضرت را به ساده دلی و زودباوری تفسیر کرده و در مجالس خود می‌گفتند: پیامبر ﷺ گوش شنوایی است؛ یعنی هر سخنی را می‌شنود و قبول می‌کند. این آیه شریفه ناظر به همین مسئله نازل شد: «و بعضی (از منافقان) هستند که دائم پیغمبر را می‌آزارند و می‌گویند: او شخص ساده و زودباوری است. بگو

زودباوری او لطفی به نفع شماست، که به خدا ایمان آورده و به مؤمنان هم اطمینان دارد»^۱ (توبه/۶۱). خداوند در این آیه کریمه، تغافل رسول اکرم را برای مصلحت و خیراندیشی و حفظ آبروی افراد جامعه می‌داند (سالاری، ۱۳۹۲: ۳۱).

تعامل با مشرکان

مشرکان، مهم‌ترین گروه مخالف پیامبر اسلام ﷺ بودند که به سبب اعتقاد مبهم و ضعیف به الله، دچار گونه‌هایی از چندگانه پرستی بودند. آنها وابستگی و دلدادگی شدیدی به بت‌ها، ارباب انواع، اجرام سماوی و مانند اینها داشتند. عمده اعراب شبه‌جزیره در این زمره جای می‌گرفتند که به خدایان متعدد اعم از بت‌ها یا اجرام آسمانی و یا فرشتگان مدبر جهان اعتقاد داشته و آنها را سرآمد کائنات می‌پنداشتند و حتی کرنش، عبادت و استعانت را به آنها اختصاص می‌دادند. قرآن کریم به این گروه لقب «امی» (در برابر اهل کتاب) داد: «و بگو با اهل کتاب و با امیان! آیا شما هم (چون حق پدیدار شود) تسلیم حق شده و ایمان آرید؟ و چنانچه ایمان آرند هدایت یابند»^۲ (آل عمران/۲۰). چند قرن بعد از تأسیس مناسک حج و نمادها و شعائر توحیدی و ترویج یگانه‌پرستی توسط ابراهیم عليه السلام، به تدریج در اغلب مناطق شبه‌جزیره، مظاهر شرک بر جلوه‌های توحید چیره شد؛ به گونه‌ای که در آغاز اسلام، تنها اندکی از مردم عربستان به ائین ابراهیمی پایبند بودند. یکی از ویژگی‌های مشرکان، امی بودن بود. آنها ادبیات مکتوب و کتاب آسمانی نداشته و کتابت آنها عمدتاً منحصر به نوشته‌های کوتاه تجاری یا تسلمات و تعویذ بود (عباسی مقدم، ۱۳۸۹: ۱۶۷-۱۶۸).

۱- مصاحبت سنجیده

پیامبر ﷺ در گفتگو با عتبه بن ربیعہ رهبر بنی امیه، پس از اتمام سخنان عتبه به او فرمود اکنون که سخنان تو تمام شد به من گوش فرا ده. ایشان ابتدای سوره فصلت را برای او تلاوت کرد. عتبه سراپا گوش بود و در مقابل خود کسی را می‌دید که به ثروت و مقام و فرمانروایی طمع ندارد، بلکه از حقیقتی سخن می‌راند و دفاع می‌کند و عباراتی را بر زبان جاری می‌سازد که از فرط بلاغت نمونه اعجاز است. از استماع آیات خسته نشد تا اینکه رسول الله با تلاوت آیه سجده، به سجده رفت و سپس فرمود: خوب شنیدی؟ این پیام من است. عتبه در بازگشت به سوی بزرگان قریش گفت: به خدا سوگند چیزی که من برداشت کردم این است که کلام او شعر، سحر و کهانت نیست. ای

۱. «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ قُلُوبِنَا خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ».

۲. «وَقُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَالْكِتَابِ وَالْأُمَّتِينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا».

جماعت قریش از من بشنوید؛ مردم را آزاد بگذارید. به خدا سوگند از گفتاری که از او شنیدم پیداست، آینده و آوازه بزرگی خواهد داشت. اگر مردم بر او چیره شدند آسوده می‌شویم و اگر او غالب شود از افتخارات او بهره‌مند می‌شویم (بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۹۲/۱؛ خان بیگی، ۱۳۹۲: ۹۱).

۲- هدیه دهی و هدیه پذیری

پیامبر ﷺ از هدیه به مشرکان و پذیرش هدیه از آنها دریغ نمی‌کردند. در ماجرای صلح حدیبیه گروهی از خزاعیان در حالی که مشرک بودند، گوسفندان و شترهایی به رسول خدا هدیه دادند. حضرت آنها را کشت و در بین اصحابش توزیع کرد. در همین ماجرا غلامی که این هدایا را برای رسول الله آورده بود از ایشان خواست تا اجازه دهد دستش را ببوسد که رسول خدا پذیرفت و در حق وی دعا کرد. پس از صلح حدیبیه رسول الله از مرغوب‌ترین خرماهای مدینه برای ابوسفیان هدیه فرستاد و در نامه‌ای از وی چرم خواست. ابوسفیان هم هدیه درخواستی را برای پیامبر ﷺ فرستاد (میانجی، بی تا: ۱۰۳/۱). جای دیگر ذکر شده که آن حضرت به واسطه قحطی در مکه از غنایم خیبر بیست بار شتر برای آنان فرستاد تا بین قحطی زدگان تقسیم کند (واقدی، ۱۳۷۴: ۷۰۰/۲).

تعامل با اهل کتاب

اصطلاح اهل کتاب بر گروه‌های دینی در شبه‌جزیره عربستان اطلاق می‌شد که دارای کتاب آسمانی و آشنا به دانش و کتاب بودند. قرآن یهود و نصارا را به صراحت و زرتشتیان و صائبان را به تلویح در زمره اهل کتاب قرار داد. گفتگو و گاه جدال میان موافقان و مخالفان شمول اهل کتاب بر مجوس و صائبان دامنه‌دار است. با توجه به نشانه‌های تاریخی مبنی بر وجود کتاب آسمانی در ادیان یاد شده، و به‌عنوان مبنای مطالعه پیرامون روش‌های برخورد نبی اسلام در این بررسی، واژه اهل کتاب حداقل شامل چهار گروه یهود، نصارا، مجوس و صائبان خواهد بود (مفید، ۱۴۱۳: ۴۴).

رسول الله پس از هجرت و ورود به مدینه، از جمله اقدامات مهمی که انجام داد تنظیم روابط متقابل جامعه اسلامی و اقلیت‌های دینی بود که تمام شهروندان دولت اسلامی اعم از مؤمنان و اهل کتاب را شامل می‌شد. این امر در قالب پیمان عمومی مدینه مطرح شد. این قانون و پیمان عمومی حدود و اختیارات رهبر و مسئولیت‌های عموم مردم را روشن کرد و نمونه کاملی از روح آزادی عقیده، رفاه اجتماعی و لزوم همکاری در امور همگانی اسلام بود. این پیمان عمومی که در ۱۴ قرن پیش منتشر شد بخشی از قانون اساسی حکومت پیامبر اسلام ﷺ محسوب می‌شود (شاهدی، ۱۳۹۲: ۱۳).

یهودیان از همان ابتدا پیامبر ﷺ را رقیب نیرومندی می‌دانستند که احتمال می‌رفت عزم‌ت و گسترش دین وی، دین یهود را در منطقه براندازد و به همین دلیل دشمنی با او را آغاز کردند و حتی

یکبار درصدد کشتن رسول خدا برآمدند و یکبار نیز قبایل عرب را بر ضد مسلمانان متفق کردند. زمانی که کار بر مسلمانان سخت شد، یهودیان پیمان شکستند و با کافران برای ریشه‌کنی مسلمانان هم‌پیمان شدند.

یهودیان بنی قینقاع با رسول الله پیمان سازش و عدم تعرض بسته بودند. پس از پیروزی مسلمانان در غزوه بدر، به سبب حسد یا به دلیل دیگری، اولین گروه از یهود بودند که با نقض پیمان خود با رسول خدا، بنای سرکشی و نافرمانی گذاشتند. پیمان‌شکنی یهود بنی قینقاع سبب شد تا مسلمانان درصدد جنگ با آنها برآیند (ابن هشام، ۱۳۶۶: ۳۷۹). در نهایت با دستور رسول خدا آنها مجبور به ترک باغ و خانه و زندگی خود و خروج از مدینه شدند. این قبیله از خانه و زندگی خود دست کشیدند و به «اذرعات» شام کوچ کردند (همان، ۴۸).

پس از آنکه مسیحیان نجران از مباحله با پیامبر ﷺ خودداری کردند، معاهده‌ای با آن حضرت امضا کردند تا در ازای پرداخت مالیات، در انجام دستورات آیین خود از آزادی برخوردار شوند. در فرازی از این معاهده چنین آمده که: «مردم مسیحی نجران و حاشیه آن در سایه خداوند و ذمه محمد، پیامبر خدا، هستند که دارایی، جان، دین، افراد غایب و حاضر، خانواده آنها و تجارت و آنچه از کم یا زیاد در اختیار دارند همه محفوظ و در امان است. هیچ اسقف یا راهب یا کاهنی از آنها از مقام خود عزل نمی‌شود و به آنان اهانتی نخواهد شد» (فاروق، ۱۹۹۷: ۵). رسول خدا با امضای چنین قراردادی ثابت کرد طرفدار صلح و زندگی مسالمت‌آمیز با اقلیت‌های دینی است. پیامبر ﷺ شخصاً در مراسم اجتماعی و مذهبی آنان شرکت می‌کرد. از آنان قرض می‌گرفت و به عیادت بیمارانشان می‌رفت و در مراسم تشییع جنازه یهودیان شرکت و با آنان همدردی می‌کرد و مانند یک فرد عادی با آنها معامله می‌کرد (کریمی نیا، ۱۳۸۵: ۵۲).

روزی یهودیان، مسیحیان، دهریان، مانویان و مشرکان نزد پیامبر ﷺ گردآمدند و در مورد مسائل اعتقادی بحث و مناظره کردند. رسول خدا با دلایل و برهان عقلی مباحث دینی را برای آنها شفاف کرد (طبرسی، ۱۳۴۵: ۹۸-۹۷). یکی از نکاتی که در این موضوع به چشم می‌خورد، تأکید زیاد حضرت بر عقل و تفکر است. در آن مناظره، پیامبر ﷺ تمام مطالب مطرح شده را با معیار عقل سنجیدند و در حضور حاضران تبیین کردند. با توجه به اینکه مخاطب آن بزرگوار در مناظره یهودیان بودند، آن حضرت مثال‌ها، مطالب و استناداتی از دین آنها آورد تا جایی برای انکار و کتمان حقیقت نباشد.

تعامل با قبایل و دیگر گروه‌های اجتماعی

اسلام به منظور دعوت و بسط تعالیم اسلامی، از روش جدال احسن، استدلال و مناظره بهره

می‌گیرد. در آیات قرآن به روش‌های موعظه حسنه، حکمت و جدال احسن، جهت بسط تعالیم اسلامی و انجام دادن رسالت تأکید شده است. در تاریخ اسلام و سیره سیاسی پیامبر ﷺ نمونه‌های متعددی از مذاکره و گفتگوهای سیاسی برای گسترش اسلام و جلوگیری از جنگ و درگیری مشاهده می‌شود. برای مثال می‌توان از مذاکره‌های حضرت با هیأت نمایندگی یثرب در موسم حج، سال‌ها قبل از هجرت یاد کرد که بعدها زمینه بیعت طوایف اوس و خزرج با حضرت را در عقبه اول و دوم فراهم آورد. مذاکره‌های رسول خدا با سفیران و نمایندگان طوایف و گروه‌ها و اقوام حاکی است که اسلام در زمینه دعوت، حل مشکلات اقتصادی، اعطای مسئولیت‌های سیاسی و اداری، امضای قراردادهای دو جانبه از این ابزار به درستی بهره برده است (سجادی، ۱۳۹۲: ۲۰).

۱- ابزار تبلیغاتی - فرهنگی

فعالیت‌های دیپلماتیک در اسلام صرفاً در حوزه مذاکرات و چانه زنی سیاسی محدود نمی‌شد، بلکه چانه زنی یکی از ابزارهای دیپلماسی و رفتار سیاسی پیامبر ﷺ بود. با توجه به اهداف دیپلماسی در اسلام که همواره بر محور تبلیغات و فعالیت‌های فرهنگی بر ایستارها و رفتارهای طوایف و گروه‌ها و قبایل مختلف بود، می‌توان به تأثیرگذاری این ابزار دست یافت. اسلام بر خلاف دیگر ادیان، از نظر مخاطبان و گیرندگان پیام، دارای جامعیت و فراگیری منحصر به فردی است. مخاطب اسلام ابنای بشر است. عام بودن تعالیم اسلامی، بیانگر ماهیت جهانی آن است (مالتی، ۱۳۷۶: ۱۲). از این رو یکی از ابزارهای روابط خارجی رسول خدا اعزام مبلغان و دعوت‌کنندگان و فرستادن پیغام به بزرگان قبایل و سران کشورها بود. این تبلیغات و دعوت‌ها به صورت‌های ذیل انجام می‌پذیرفت:

الف) تماس مستقیم با افراد، سران و هیأت‌هایی که در ایام حج به مکه می‌آمدند. رسول الله به‌رغم تنهایی و کارشکنی و آزار مشرکان، این شیوه را به کار می‌بست. وی در این ملاقات‌ها، پیام و رسالت خود را مطرح می‌کرد و به این روش پیام خود را به گوش دورترین افراد دنیا می‌رساند.

ب) هجرت مسلمانان در دو نوبت به حبشه، انگیزه و ماهیت تبلیغی داشت.

ج) اعزام شخصیت‌های برجسته مسلمان مانند معاذ بن جبل و علی رضی الله عنه به یمن و مانند اینها.

د) اعزام هیأت‌های تبلیغی مانند هیأت‌هایی که به یمن و نجد و رجب فرستاده شدند.

پیامبر ﷺ در کنار اعزام مبلغان به ارسال پیام‌ها و نامه‌ها به سران قبایل و دولت‌های دیگر نیز می‌پرداخت. برخی شمار این نامه‌ها را بیش از سیصد مورد دانسته‌اند (میانجی، بی‌تا: ۵۴۶).

۲- اعزام مبلغ

نخستین سفیری که رسول خدا گسیل داشت، عمر بن امیه ضمری بود. پیامبر ﷺ او را با دو

نامه نزد نجاشی فرستاد. ایشان ضمن یکی از نامه‌ها نجاشی را به اسلام دعوت کرد و برایش آیاتی از قرآن نوشت. نجاشی نامه رسول خدا را گرفت و بر دیده نهاد و برای ابراز تواضع از تخت به زیر آمد و بر زمین نشست و اسلام آورد و شهادتین بر زبان راند (واقعی، ۱۳۷۴: ۲۴۴).

معاذ بن جبل از معلمان بزرگ عصر پیامبر ﷺ بود که در زمینه مسائل آموزشی و علمی استعداد و آمادگی بیشتری داشت. رسول خدا پس از سال نهم، معاذ را با چهار تن دیگر از اصحاب برای آموزش نومسلمانان یمنی به آن دیار فرستاد. عمرو بن حزم نیز از اعزام شدگان به نجران برای تعلیم و تربیت اسلامی افراد قبیله بزرگ بنی حارث بود (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۴۷/۲؛ کسای، ۱۳۸۸: ۱۱۴-۱۱۳).

در فتح مکه و تسلیم شدن کفار قریش به ریاست ابوسفیان که مورد بخشش و لطف رسول خدا قرار گرفتند و عنوان طلقا یافتند، پس از شکستن بت‌ها در خانه کعبه و اقامه نماز به امامت پیامبر ﷺ و اذان بلال، رسول خدا هنگام ترك مکه و بازگشت به مدینه، عتاب بن اُسید را با مقرری روزانه يك درهم به عنوان ناظر در کار مکه و مکیان و معاذ بن جبل را برای تعلیم قرآن و احکام دین به نومسلمانان مکی در آن شهر منصوب کرد (کسای، ۱۳۸۸: ۱۱۳-۱۱۲).

۳- مواجهه قبایل با اسلوب‌های آموزشی پیامبر ﷺ

رفتار رسول خدا در خصوص قبایل مختلف متفاوت و محبت‌آمیز بود. ایشان بعد از پذیرش نمایندگان قبایل افرادی را برای آموزش قرآن و احکام دینی در میانشان می‌فرستاد. چهارچوب کلی همه رهنمودها و مذاکرات پیامبر ﷺ با سران و بزرگان قبایل و عشیره‌ها و مردمان دیگر سرزمین‌ها، نشر اسلام و فضایل شرع مقدس اسلام بود (منتظرالقائم، ۱۳۸۰: ۱۸۵). گروه‌های مردمی و سران قبایل از مذاکره با رسول خدا خشنود بودند و همه ساله تعداد ملاقات کنندگان و کسانی که تمایل به این قبیل مجالس و مذاکرات داشتند، فزونی می‌یافت (اخوان کاضمی، ۱۳۹۲: ۱۸۵) و پیامبر ﷺ به روش‌های مختلف با آنان برخورد و ایشان را مجذوب اسلام می‌کرد:

الف) برای عده‌ای از رهبران و شیوخ قبایل یمنی مانند رهبران حِمیر، زُبَید، مُراد، هَمَدان، حَئِم و طی، نامه‌هایی نوشت و عنوان‌های سیاسی و حکومتی و مالکیت آنان بر مناطق تحت تصرفشان را به رسمیت شناخت و از آنان خواست احکام و حدود اسلام را رعایت کنند.

ب) حضرت گاهی از بین نمایندگان و رؤسای یمنی امیر و فرمانده انتخاب می‌کرد و اداره قسمت‌هایی از یمن را بر عهده آنان می‌گذاشت. برای نمونه وائل بن حجر حضرمی که امیر قومش، قیس ابن سلمه جعفی که امیر قبایل مران و حریم کلاب، فروه بن مُسیک مرادی که امیر مُراد و زُبَید، ابو موسی اشعری فرمانده سریه‌های در حُنَین و والی عَدَن، زُبَید، رمح و ساحل، صُرَد بن

عبدالله آزدی فرمانده سپاه فاتح جُرش، جریر بن عبدالله بَجَلی فرمانده تخریب بت ذوالخَلَصه و نماینده رسول الله نزد ذوالکلاء و ذی عمر، قیس بن حصین حارصی که امیر قبیله بنوحارث بن کعب، علی بن حاتم طائی مأمور صدقات طی و مالک بن مراره مأمور اخذ صدقات و جزیه از حِمَیریان شدند.

(ج) پیامبر ﷺ برای جذبِ قلوب به نمایندگان خَولان، بَجِله، غامد و تُجیب هدایایی داده بودند.

(د) رسول الله صحابه خود را برای تعلیم قرآن و احکام اسلامی و گرفتن زکات و صدقات و جزیه به سوی قبایل یمنی گسیل کرد و به بعضی از نمایندگان خود مانند امام علی علیه السلام، خالد بن سعید بن عاص، عمرو بن حَزَن انصاری، عمرو بن عاص، ابوزید انصاری، زیاد بن لَیث انصاری و معاذ بن جبر اجازه داده بود تا برای اصلاح وضع اجتماعی، صدقات توانگران را بین فقرا و آن قبایل تقسیم کنند (منتظرالقائم، ۱۳۸۰: ۱۰۹-۱۰۸).

نتیجه

تعلیم احکام ابتدایی مانند نماز یکی از برنامه‌های آموزشی مکتب اسلام بوده است. پیامبر ﷺ که رسالت ارشادی و تعلیمی داشت، پیروان خود را به آموزش و پذیرش منابع اساسی معرفت یعنی یکتایی خدا (توحید)، رسالت رسول خدا (نبوت)، رستاخیز و جهان آخرت (معاد) و توضیح و تفسیر آیات وحی دعوت می‌کرد. حدود سیزده سال از آموزش اسلامی عصر پیامبر ﷺ به سختی و محدود در مکه و ده سال آن گسترده و فراگیر در مدینه گذشت. رسول الله به‌رغم همه مشکلات و جنگ‌ها، در مدینه به اصلاح و تأسیس نظام فرهنگی پرداخت و به آموزش اصحاب توجه ویژه‌ای کرد؛ به نحوی که می‌توان گفت این موضوع اصلی‌ترین دغدغه سیاسی - اجتماعی ایشان بود. ماحصل این دل مشغولی، تربیت نسلی از شخصیت‌های آموزش دیده و فرهیخته بود که تعداد آنها به هزاران می‌رسد. حرکت آموزشی و پرورشی رسول خدا از همان سپیده دم نزول وحی آغاز و تا واپسین لحظات حیات آن حضرت استمرار یافت. مخاطبان تعلیمات رسول اکرم بر حسب ویژگی برجسته مخاطب‌شناسی ایشان در ارتباط با عامه مردم، خاطیان، دشمنان و کافران، پیروان سایر ادیان و ملت‌ها اعم از زنان، مردان، کودکان و جوانان متغیر بود. ایشان برای هر کدام از این گروه‌های اجتماعی برنامه خاصی داشت و در ضمن آن اسلام رحمانی و رأفت اسلامی را نیز که موجب تألیف قلوب می‌شد، مورد توجه قرار می‌داد. انعطاف‌پذیری و نگاه همه جانبه به آموزش مسائل معرفتی و اسلامی از سوی رسول الله امروزه می‌تواند الگوی مناسبی برای دستگاه‌های آموزشی و دست اندرکاران آموزش در سطح جامعه باشد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه (۱۳۹۱ش)، ترجمه محمد دشتی، قم، موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین علیه السلام.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۰)، طبقات الکبری، بیروت، دار بیروت.
- ابن هشام، عبدالملک بن هشام (۱۳۶۶ش)، زندگانی محمد صلی الله علیه و آله و سلم، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، تهران، سخن گستر.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۲ش)، دیپلماسی و رفتار بین المللی در اسلام، تهران، سمت.
- بابازاده، علی اکبر (۱۳۸۲ش)، شیوه‌های تعلیم و تبلیغ، قم، دانش و ادب.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین (۱۳۶۱ش)، دلائل النبوه، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، علمی و فرهنگی.
- حرانی، ابومحمد (۱۳۸۵ش)، تحف العقول، ترجمه صادق زاده، قم، انتشارات آل علی.
- خان بیگی، حمزه (۱۳۹۲ش)، «بررسی و تحلیل سیاسی رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با تأکید بر رفتار دشمنان»، فصلنامه جبل المتین، س ۳، ش ۶، ص ۲۱-۱.
- سالاری، سعید (۱۳۹۲ش)، «۹ اصل کلیدی تبلیغ و تربیت در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»، فصلنامه جبل المتین، س ۲، ص ۱۸۲-۱۷۰.
- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۹۲ش)، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، قم، بوستان کتاب.
- شاهدهی، غفار (۱۳۹۲ش)، «روابط و مناسبات اسلامی در برخورد با سایر ملل و ادیان با تکیه بر سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»، فصلنامه معرفت، س ۲۲، ش ۱۸۵، ص ۸۵-۹۷.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۳۴۵ش)، الاحتجاج، ترجمه بهراد جعفری، تهران، دار الکتب اسلامی.
- عباسی مقدم، مصطفی (۱۳۸۹ش)، «روش شناسی برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با مشرکین و اهل کتاب»، فصلنامه فلسفه دین، س ۷، ش ۶، صص ۱۸۵-۱۶۱.
- فاروق، حماده (۱۹۹۷)، التشریح الدولی فی الاسلام، مراکش، کلیه الادب و العلوم الانسانیه بالرباط.
- فروهی، ناصر و حمیدرضا سروریان (۱۳۸۵ش)، «اصول و روش‌های آموزش و تربیت دینی در سیره عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم»، فصلنامه علامه (فلسفه و کلام): مجموعه مقالات درباره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، تبریز، ص ۱۷۲-۱۳۷.
- کریمی نیا، محمدمهدی (۱۳۸۵ش)، «سیره و رفتار مسالمت آمیز پیامبر اعظم با غیرمسلمانان»، فصلنامه میقات، ش ۵۶، ص ۱۰۹-۷۰.

- کریمیان، منصور (۱۳۸۵ش)، زندگانی حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، تهران، اشرفی.
- کسائی، نورالله (۱۳۸۸ش)، «دانش و آموزش در عصر پیامبر اسلام»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، س ۱، ش ۱، ص ۱۳۳-۱۰۰.
- کمالی، سید علی (۱۳۷۳ش)، خاتم النبیین، تهران، اسوه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۵۰ش)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مالتی، کی، جی (۱۳۷۶ش)، مبانی تجزیه و تحلیل سیاست خارجی، ترجمه بهرام مستقیمی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- م.د، محمد بن نعمان (۱۴۱۳)، المقنعه، مجموعه آثار شیخ مفید، قم، کنگره شیخ مفید.
- منتظرالقائم، اصغر (۱۳۸۰ش)، نقش قبایل یمنی در حمایت از اهل بیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- مهدوی نژاد، غلامحسین (۱۳۹۲ش)، «شیوه تبلیغی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»، فصلنامه جبل المتین، س ۲، ش ۵، ص ۱۸۳-۱۶۶.
- میانجی، میرزا علی (بی تا)، مکاتیب الرسول، بیروت، دارالمهاجر.
- واقدی، محمد ابن سعد کاتب (۱۳۷۴ش)، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه.